

۱۳۴۸۲۳۴۶

تحلیل‌هایی بر تناتر معاصر

در انتظارِ گودو

و

پایانِ بازی

ساموئل بکت

مجموعه مقالات به اهتمام

فرانک اوانز

(استاد ادبیات مدرن و هنرهای تجسمی دانشگاه پاریس هفتم)

مترجم:

وحید نژاد محمد



۱۳۹۶

عنوان و نام پدیدآور : در انتظار... پایان بازی: تحلیل‌هایی بر تئاتر معاصر ساموئل بکت / [زیر نظر] فرانک اورار؛ [نویسندگان: کریستین بارون ... [دیگران]]؛ مترجم وحید نژادمحمد.
 مشخصات نشر : تهران: افراز، ۱۳۹۶
 مشخصات ظاهری : ۲۶۸ ص.؛ ۱۴/۱×۵ سانتیمتر
 شابک : 978-600-326-239-3

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : عنوان اصلی: En attendant Godot: fin de partie: Samuel Beckett, c 1998.
 یادداشت : کتابنامه.
 عنوان دیگر : تحلیل‌هایی بر تئاتر معاصر ساموئل بکت.
 موضوع : بکت، ساموئل، ۱۹۰۶ - ۱۹۸۹ م. در انتظار... -- تفسیر
 موضوع : Beckett, Samuel, 1906-1989. Waiting for godot -- Criticism and interpretation
 موضوع : بکت، ساموئل، ۱۹۰۶ - ۱۹۸۹ م. آخر بازی -- نقد و تفسیر
 شناسه افزوده : اورار، فرانک
 شناسه افزوده : Evrard, Frank
 شناسه افزوده : بارون، کریستین
 شناسه افزوده : Baron, Christine
 شناسه افزوده : نژادمحمد، وحید، ۱۳۵۶ -، مترجم
 رده بندی کنگره : PQ۲۶۰۶۱۳۹۵/۳
 رده بندی دیویی : ۹۱۴۰۹/۸۴۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۴۳۶۶۰۷۶



انتشارات افراز

ناشر برگزیده‌ی تئاتر و ادبیات نمایشی

دفتر مرکزی و فروش: خیابان دانشگاه، پایین تر از جمهوری، کوچه دانا، پلاک ۱۲ | تلفن: ۶۶۹۷۷۱۶۶
فرمانده: خیابان دانشگاه، مجتمع تجاری دانشگاه، طبقه‌ی منفی یک، کتابفروشی تخصصی هنر و ادبیات افراز

تلفن: ۶۶۹۵۲۸۵۳

مرکز پخش: ۶۶۴۸۹۰۹۷

وبسایت و فروشگاه اینترنتی: www.afrazbook.com

E-mail: info@afrazbook.com

تجدید هابی بر تئاتر معاصر

در انتظار کود و پایان بازی

منا و نل، نیت

مترجم: مهد نژاد محمد

نویت چاپ: اول / ۱۳۹۰

طراحی جلد: یاسین محمد / آژیه افراز

صفحه‌آرا: افسانه حسن بیگی / آژیه افراز

چاپ / صحافی: ناژو

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای انتشارات افراز محفوظ است.

هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی، از جمله،

چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیک، فیلم، نمایش و صدا نیست.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست مطالب

۷	یادداشت مترجم
۱۱	دیباچه
۱۵	فصل اول: تاریخچه و محتوای نمایشنامه‌ها
۱۵	تازه چه خبر؟
۳۸	زبان دیگر
۴۸	همسازها و اصوات بنیادی در نمایشنامه «در انتظار گودو» و «پایان بازی»
۷۵	عمل رم: شخصیت در نزد بکت
۷۵	هویت متزلزل
۹۴	چندمعنایی شیء نمایشی در دنیای نمایشنامه‌نویسی بکت
۱۳۱	فصل سوم: زبان در بازی رداژش
۱۳۱	«در انتظار گودو»، زبان - بید
۱۵۲	طنز و طعنه در نمایشنامه‌های «انتظار گودو» و «پایان بازی»
۱۷۵	فصل چهارم: فیزیک و متافیزیک
۱۷۵	نمایشنامه‌های در انتظار گودو و پایان بازی با بیش‌برخ معنا
۱۷۵	یک متافیزیک متناقض
۲۰۳	نگارش پیکر مرده در نمایشنامه پایان بازی
۲۲۳	فصل پنجم: بازی و نقش‌چینی‌ها در تئاتر
۲۲۳	انطباق نمایش با الزامات ساختاری در نمایشنامه‌های در انتظار گودو و پایان بازی
۲۴۶	کتابشناسی
۲۴۷	پیرامون صحنه‌پردازی‌ها در نمایشنامه‌های در انتظار گودو و پایان بازی
۲۵۰	بکت، کارگردان نمایشنامه پایان بازی: صحنه‌پردازی هنر انتزاعی غنایی

یادداشت مترجم

ماتر نو، تناتر معاصر و یا «تناتر پوچ گرا» سبکی از تناتر بود که در فواصل جنگ سالی بهانی به خصوص جنگ جهانی دوم ظاهر شد و از ریشه‌ها و قوانین نمایشی کلاسیک به نسبت فاصله گرفت. گونه‌ایی از نمایش که پوچی انسان و حیات را در قالب حرکات، پویش‌ها، مرگ حالات و اشیاء بر روی صحنه به نمایش درآورد. پایه و اساس این نگرشی به تناتر را باید یقیناً در «افول ارزش‌های انسانی» پس از جنگ جهانی اول تمهید کرد. جنبشی که سوررئالیست‌ها و دادائیست‌ها را سرلوحه خود قرار داد و از منطق و رئالیسم به شدت گریخت. اوژن یونسکو، ساموئل بکت، آرتور آدامو و دیگران، نمایشنامه‌نویسانی بودند که محتوا و قراردادهای نمایشی کلاسیک را قویاً تقبیح کرده و به هم ریختند. از ویژگی‌های نمایشی بکت و یونسکو می‌توان به این اشاره کرد که آن‌ها شخصیت‌های نمایشی را به «دلقک‌ها و لوده‌ها» تقلیل داده و هرگونه «ارتباط میان شخصیت‌ها (موجودات انسانی)» را تحریف می‌کنند. این نمایش‌نویسان هرگز به انسجام و منطق طرح درونی نمایش را سلب کرده و بُعد مضحک انسان و جهان را بر روی صحنه نمایش به تصویر می‌کشند. در نتیجه پوچی شرایط حاصل از موقعیت‌های نمایشی این نمایشنامه‌نویسان به خصوص بکت، به «تخریب خود زبان» منتهی می‌شود. برای نمایشنامه‌نویسان «نو» صحنه‌ی نمایش مکانی است که در آن زندگی دگرگون می‌شود. بدین دلیل زبان این نوع نمایش فراتر از واقعیت قرار می‌گیرد. در نزد یونسکو، بدیهیات و یاوه‌گویی‌های روزمره، زندگی را از معنای

خود ساقط می‌کنند و در نزد بکت، شکل واژه‌گانِ شخصیت‌ها، ساختارهای متعارف را درهم کوبیده و تماشاگر را شگفت‌زده می‌کند.

ساموئل بکت (۱۹۸۹-۱۹۰۶)، نویسنده، شاعر و نمایشنامه‌نویسی که در دوبلین جمهوری ایرلند متولد شد و در پاریس درگذشت، تفکر نوینی را در عرصه رُمان و نمایش از خود بر جای گذاشت. آثار وی با قریحه‌ی طنزپردازی همراه بوده و با رویکرد بدبینانه، خنده‌های نیشداری را در وجود بشر ایجاد می‌کنند. برخی از رُمان‌های مهم وی شامل مورفی (۱۹۳۸)، وات (۱۹۴۵)، مولوی (۱۹۴۷)، مالون می‌میرد (۱۹۵۱)، نام‌ناپذیر (۱۹۵۳)، و نمایشنامه‌های مهم وی شامل در انتظار گودو (۱۹۵۱)، پایان بازی (۱۹۵۷)، روزهای خوش (۱۹۶۳) و غیره می‌باشد. اکثر آثار وی به تسلط بکت به دو زبان انگلیسی و فرانسه به رشته تحریر درآمده‌اند. ساموئل بکت، عریان کردن هستی انسانی از هرگونه «معنا و مفهوم» درخور، بی‌منطق، بی‌عقرب و بی‌پایایی را به تصویر می‌کشد که انسانیت و ارزش‌های انسانی در آن گم شده‌اند. در واقع بیهودگی ظاهری حیات یک مضمون اگزیستانسیالیستی است که متعارف و متعارف‌انگار آن را در نزد سارتر و کامویافت. ولی بکت هرگز به زیر بار این فلسفه نرفته و خود را از هرگونه گرایش ایدئولوژیک مبرا می‌کند. شخصیت‌های بکت زبان شفاهی خرد را انکار نمی‌کنند بلکه برعکس، وجود خود را از لابه‌لای آشفتگی زبانی به حداثت می‌کنند. در نزد وی، موقعیت‌های نمایشی دقیقاً به واسطه‌ی شخصیت‌ها تعیین می‌شوند و در نهایت این احتمال وجود دارد توسط تغییرات بی‌معنای «پیش‌دها» درگیر می‌شوند. در تئاتر بکت، صحنه‌های نمایش بدن‌بال نشان دادن حالات و نشانه‌های روانشناختی نیستند بلکه شخصیت‌ها نشان می‌دهند که انسان پیش‌بینی‌ناپذیر است و هر چیزی ممکن است برای هرکسی و به هر صورتی اتفاق بی‌افتد. در این وضعیت، یک بررسی روانشناختی از انسان و حیات می‌تواند یک حقیقی نمایشی محسوب شود. به نظر ساموئل بکت «وجود انسان» برهوتی است که در آن، بین مرگ و زندگی، هیچ اتفاقی نمی‌افتد. شخصیت‌های بکت به «ظهور» چیزی و یا کسی

برای رستگاری و برای تداوم زمان امید دارند اما هر آنچه روی می‌دهد «بی‌معناست». دنیا نه تنها پوچ است بلکه «ناخوشایند» هم هست؛ در این دنیا انسان با مشکل مواجه است نه فقط با اشیانی که او را احاطه کرده‌اند بلکه حتی با جسم خود. با این وجود، آثار غم‌انگیز بکت تداعی‌گر معانی خاصی از کُمدی دردناک هستند که تماشاگر را می‌خندانند. برای تسهیل بخشیدن به درک کتاب حاضر که مجموعه‌ای از مقالات اساتید برتر دانشگاهی فرانسه است، ذکر نام افرادی که از دو نمایشنامه مورد بحث در این کتاب «در انتظار گودو» و «پایان بازی» خالی از بهره نخواهد بود: در نمایشنامه‌ی دو پرده‌ای «در انتظار گودو» که یک اثر کُمدی تراژدی محسوب می‌شود، دو ولگرد به نام‌های ولادیمیر و استراگون بر روی ناکجاده‌ی خنجر آیش ظاهر می‌شوند و در انتظار فردی به نام «گودو» - و یا به تعبیری در انتظار انسان‌هایی و God - هستند که وی هرگز نخواهد آمد. این شخصیت‌های دلچسپ و جاسازی، منحک به تن دارند همواره محکوم به یک انتظار دائمی هستند. این دو شخصیت بدون هیئت، دور از رفتارهای روانشناسی، طرد شده از جامعه، بی‌نام بوده و از پوچ بودن نوشت خود آگاهی دارند. در میانه پرده اول، دو شخصیت دیگر یعنی یک ارباب (پرو) و یک نوکر (لاکی) نیز در صحنه ظاهر می‌شوند. این شخصیت‌ها برای آنچه «کردن» زمان انتظار برای دیدن «گودو»، از ورای «سخنان و دیالوگ‌های بی‌معنا» با بحث در مورد موضوعات مختلف به سرگرمی می‌پردازند. تقریباً تمامی عناصر شک در این نمایشنامه به کار گرفته شده است و همه‌ی تکرارها و پاسخ‌های این شخصیت‌ها بیننده را به یک «خنده‌ی تلخ» وامی‌دارد. در واقع، این نمایش، صحنه‌پردازی دردها و آلام بشری بر روی صحنه نمایش است. نمایشنامه «پایان بازی» سه شخصیت معلول را بر روی صحنه نشان می‌دهد. نمایش در اتاق تاریکی اتفاق می‌افتد. پیرمرد کور و فلج بنام «هام» بر روی صندلی چرخدار قرار گرفته و خدمتکارش (کلاو) قادر به نشستن نیست. و دو شخصیت نِل (Nell) و نَگ (Nagg) که والدین هام هستند و پاهای خود را در تصادفی از دست دادند، در

سطل آشغال‌ها به زندگی خود ادامه می‌دهند. طرح داستانی به معنای حقیقی در این نمایش وجود ندارد. در طول نمایش، هیچ اتفاقی رخ نمی‌دهد. و پایان بازی و ماجرا از همان ابتدا اعلام شده است. گاهی شخصیت‌ها برای بیانِ دردِ خود، به حُصّار خطاب می‌کنند. و هَم می‌تواند نشانی از «عقل و روح» بشری باشد که پیوسته جسم (کلاو) را در اختیار خود دارد. صحنه نمایش ساکت است و دنیای بیرون به دلیل فاجعه‌ایی بزرگ کاملاً مُرده است و این چهار شخصیت تنها بازه‌اندگان آن هستند. کلاو بجای چشم‌های هَم به او خدمت می‌کند. در نهایت ر پنجره‌ایی که در صحنه نمایش است، کلاو پسر بچه‌ایی را می‌بیند و این امر شاید اشاره‌ای به این موضوع باشد که دنیای بیرون هنوز مُرده و زندگی در آن جاریست. سه شخصیت با هم و کلاو جنبه‌های متفاوتی از شخصیتِ هَم هستند که قادر به برقراری ارتباط با خود نیست. مضمون این اثر که حرکت و عزیمت (کلاو) را با خود در بر دارد پایانِ بازی نیست بلکه احساسی است تلخ و خنده‌دار از پایانِ بشریت. این اثر، نمایشِ ناآزادی است با رویدادهای مضحک.

در پایان این یادداشت، جایزه‌ای به مناسبتِ همکاریِ ارجمندم آقای دکتر محمّد محمّدی به‌خاطر بازخوانی این ترجمه و با تمییق ترجمه و متن اصلی و طرح برخی از نواقص آن قدردانی کنم. بی‌شک ترجمه حاضر از حالتی از نقص نبوده و خواهان اصلاح خود از نگاه پژوهشگران و ادیبان است.

بهروز دژدو ۱۳۹۴

وحید نژاد محمد

«بالاخره گه دو آمد»: این جمله‌ی معروف آنتونین آرتو^۱ در حیطه تاریخ و زیبایی‌شناسیِ تئاترِ معاصر، کاملاً اهمیتِ نمایشنامه‌ی «در انتظارِ گودو» را خاطر نشان می‌کند. متراژِ آن در سال ۱۹۵۲ چاپ شد و در سال ۱۹۵۳ به روی صحنه نمایش رفت. نمایشنامه‌های «در انتظارِ گودو»^۲ و «پایانِ بازی»^۳ (۱۹۵۷) جزء «تئاترِ جدیدی» محسوب می‌شوند که پس از سال‌های پنجاه و از ورایِ تئاتر، ارتباطاتِ جدیدِ شخصیت با مکان، زمان، اشیاء و با زبان را احیا می‌کنند. سامونل بِکِت به جای اثبات و بیانِ پوچیِ سروسیمینا بشری، دست به ابداعِ نگارشیِ جدید در حیطه تئاتر می‌زند که تصویری ملموس و دقیق از موضوع «پوچی» را ارائه می‌دهد. نتیجه این گونه‌ی نگارش به زیرسوا^۴ برده، قراردادهایِ تئاترِ عقلانی، منطقی و ارسطویی است که بر پایه‌ی عملِ دراماتیک، شخصیت و زبان استوار بود.

برای این مجموعه مختصری از مقالات، مناسب بود تا به اساتیدِ میثاق یک چارچوبِ ساده و کاربردی پیشنهاد کنیم که بعد از اختصاصِ یک بخش به پیدایش، تاریخ و مجموعه شرایطِ این دو نمایشنامه، توضیحاتِ اساسی در حیطه‌ی موضوعات «شخصیت و زبان» را فراهم سازد. شخصیت‌هایِ بِکِت (که در

1- Antonin Artaud:

نظریه‌پردازِ تئاتر، هنرپیشه، نویسنده، مقاله‌نویس و شاعر فرانسوی (۱۸۹۶-۱۹۴۸). (م)

2- *En attendant Godot*

3- *Fin de partie*

نمایشنامه در انتظار گودو متحرک هستند، گرچه ولگردها در قالب انتظار خود، حرکتی ندارند) در نمایشنامه پایان بازی (یا دقیق‌تر زوج‌هایی که به ارباب و نوکر تقسیم می‌شوند) با یک هویت متزلزل، ناپایدار و موقتی، با از دست دادن هرگونه امکان عمل و با سلب مالکیت از جسم خود شناسایی می‌شوند. قلمرو زبان که موضوع مورد ظن و بدگمانی است، با ساختاری شکسته، منفصل از نظم اشیاء واقعی و با از دست دادن معنا، این امکان را برای هویت فراهم نمی‌آورد تا وحدت و انسجام خود را بازیابد بلکه مولد پر حرفی‌های تهی و پرسروصدا است که هدفشان به‌ند سکوت و ناتوانی ارتباط با دیگران است آن هم به کمک دیالوگ‌ها و بازی‌هایی که توسط ولادیمیر^۱ و استراگون^۲ برای غنی‌سازی انتظار ابداع می‌شوند.

در یک بخش جراید برایمان ضروری به نظر رسید که موضوع جهان‌بینی را طرح کنیم که دونایشان^۳ یکت را تحت الشعاع قرار می‌دهد. اگر شکل تکراری و چرخشی نگارش شاعر سرخوداری از معنا در مفهوم دوگانه‌ی آن (معنای آماده‌شده و حرکت به‌سوی یک پایانه قابل پیش‌بینی) است، این حذف مفهوم با مرگ معنا برابر نیست. این شکل تکرار با کارآیی شگفت‌آوری، هستی بی‌اختیار انسان را بیان کرده و موقعیت پیچیده‌ی انسان معاصر را بین تاریکی و روشنایی، گفتار و سکوت، جنبش و سکون، زندگی و مرگ آشکار می‌کند. موضوع انتظار و تشویش پایان، به یک متافیزیک بدبینانه، به یک بینش جبرگرایی از تقدیر بشری مربوط می‌شود. با این وصف، بیان تراژیک مرتبط با جهان کاذب و عناصر دیگر که دنیای یکت را متمایز می‌کنند، نباید پویایی صحنه نمایش را پنهان کند. یکت صورتی ملموس، قابل رویت و دقیق به درد متافیزیکِ شخصیت‌های ایش ارانه می‌دهد که افول آن به شکل جسمی بر روی صحنه نمایش بازنمایی می‌شود. «حضور» بر روی صحنه نمایش و «زبان» جسم، امکان گریز از «سکوت» را فراهم می‌سازند که آثار داستانی را می‌پیماید (مولی^۴، ملون می‌میرد^۵).

1- Vladimir

2- Estragon

3- Molloy

4- Malone meurt

در بخش آخر، نوشتار نمایشی^۱ پکت، دغدغه‌ی وی از تسلط بر صورت‌های گوناگون صحنه‌چینی نمایشی^۲ (در حیطه عملکرد نگارش) مورد توجه قرار گرفته است. نگارش فزاتتری^۳ از ورای دیالوگ‌ها و اشارات و نشانه‌های صحنه‌ای، با افزایش دوگانگی شخصیت‌ها، ابعاد خیالی، بازی نقش‌ها و با وامگیری عناصر نمایش‌های مضحک^۴ قرون وسطایی، بداهه‌گویی‌های «کمدی دلارته»^۵ و نمایش‌های سیرک و سینمای طنزآمیز و خنده‌دار، پیوسته به فضای تئاتر و بازی نقش رجوع می‌کند در حالی که امکان مشاهده‌ی «نمایش» را همچون توهّم ظاهری، شکل و با همچون بازی فراهم می‌سازد. همین تئاتر در چارچوب و حیطه‌ی تئاتر، با به پیش کشیدن دلقک‌ها، هنرپیشه‌های لال‌بازی و لوده‌ها در نمایشنامه‌ی در انتظار خود و یا در قالب شخصیت بازیگر «هام»^۶ (بازیگر کمدی لوده) در نمایشنامه پایان بازی، کمک تقلید، عناصر نمایشنامه‌نویسی پیشین را زیر سوال می‌برد و به همان اندازه با بر تل به بازی‌های آینه‌ای، خود واقعیت تئاتر را تبدیل به امر غیر واقعی می‌کند. از این رویه می‌توان چنین احساس کرد که اثر هنری بدنبال پایان بخشیدن و به اختصار، آوردن «جسم» بوده و خواهان کامل کردن فرایند جنون و مرگ تئاتر است. برعکس شاید بکنک همین مرگ آغازگر، تئاتر پکت به شدت بارور شده و با «زبانی» جدید، می‌شود آن هم به مدد آزمایش نیستی و پوچی، به طوری که جسم‌ها بر روی این صحنه‌ی تمام‌عیار جان می‌گیرند، صحنه‌ای که آن‌ها را فناپذیر می‌کند. از صحنه‌چینی‌های نمایشی روزه

1-scénique

2- mise en scène

3- métathéâtrale

4- farce

5- Commedia dell' arte:

گونه‌ای از تئاتر عامیانه ایتالیایی بود که در قرن شانزدهم میلادی ظاهر شد. در این شکل تئاتر، بازیگران ماسک به صورت داشته و جملاتی را به صورت فی البداهه بر زبان جاری می‌ساختند. این تئاتر منشاء خود را از جشن‌هایی می‌گیرد که مایه اصلی کارناوال‌های بزرگ بودند. (م)

6- Hamn actor

بلن^۱ در تئاتر بایبلون^۲ به سال ۱۹۵۳ گرفته تا نمایش‌های بازی‌گونه و دلک‌وار سال‌های نمود، و با گذر از صحنه‌چینی‌های صورت‌گرایانه و موسیقایی و خوش‌آهنگ خود بکت در برلین به سال ۱۹۷۵، نمایشنامه‌ی در انتظار گودو که وارد فهرست کم‌دی فرانسه^۳ در سال ۱۹۷۷ شده، کارگردانی‌ها و تفسیرهای بیشماری را برمی‌انگیزد که پیچیدگی‌های این اثر نمایشی را بر ملا می‌کنند. دریافت نمایشنامه‌های «در انتظار گودو و پایان بازی» راحت نیست همان‌طور که بداشت‌های اشتباه سال‌های پنجاه از این نمایشنامه‌ها گواه آن است. نمایشنامه‌هایی که به خاطر دلایلی مبهم شدند: آمیختگی ابعاد خنده‌دار و تراژدی، خلل و حالت رقت‌بار، پیوند غرابت نگران‌کننده و طنز تلخ که توسط بازنمر رهبر برنود انسانی برانگیخته می‌شوند. در این کتاب، امید بر این است تا فرصتی برای آسیندن در حیطه توانایی‌های خوانش و تفسیر این دو اثر نمایشی فراهم شود. این دو اثر علی‌رغم این‌که هیچ‌گونه جهان‌بینی، نظام ارزشی و الهیات را (که به طور واضح تریفته شده‌اند) تحمیل نمی‌کنند، قبل از هر چیزی همچون اثری باز و چندصدایی نمایان می‌شوند.

1- Roger B'lin:

کارگردان و بازیگر فرانسوی بوده و بسیاری از نمایشنامه‌های سامونل بکت و ژان ژاک را به روی صحنه نمایش درآورده است (۱۹۸۴-۱۹۰۷). (م)

۲- یکی از سالن‌های قدیمی نمایش‌های پاریس است که اولین نمایش آن با نام «کوزه» اثر Luigi Pirandello در سال ۱۹۵۲ بر روی صحنه رفت. (م)

3- Comédie-Française:

یک موسسه‌ی فرهنگی در پاریس است که در سال ۱۶۸۰ ایجاد گردید. تنها تئاتر دولتی و رسمی کشور فرانسه است که دارای اعضای ثابت متشکل از بازیگران و سیاهی‌لشکر است. در قرن هفدهم، نمایشنامه‌نویس معروف، مولیر، رئیس این موسسه محسوب می‌شد. (م)